

روزشمار جنگ

چهارشنبه

۵ شهریور ۱۳۵۹

۱۶ شوال ۱۴۰۰

۲۷ اوت ۱۹۸۰

۳۸۴

در ادامهٔ تحرکات مرزی عراق در غرب و جنوب کشور، امروز از ساعت ۶:۲۰ دقیقه بامداد در پاسگاه‌های برارعزیز، دارخور، بندباریکه، پله‌چفت، باباهادی و تنگ ترشابه بین نیروهای مسلح ایران و نیروهای ارتش عراق درگیری آغاز شد در این زدوخورد که تا عصر ادامه یافت، به نیروهای خودی تلفاتی وارد نیامد.^(۱) در ساعت ۱۱، درگیری به پاسگاه یکه‌شان نیز کشیده شد و عراق با توپخانه سنگین خود این پاسگاه را هدف قرار داد که با آتش متقابل نیروهای مستقر در پاسگاه مواجه گردید. این درگیری نیز تا عصر امروز همچنان ادامه داشته است.^(۲)

نیروهای مسلح خودی نیز در یک اقدام متقابل، در ساعت ۱۵ امروز، با توپخانه به مواضع و سنگرهای یگان‌های لشکر ۶ عراق در منطقه بنی‌دان تیراندازی کردند که در نتیجه چند نفر از افراد آن لشکر کشته و یک ستوان و یک سرباز عراقی نیز زخمی شدند.^(۳)

در این حال، خبرگزاری پارس در ساعت ۲۲ امروز از مرز قصرشیرین گزارش داد: «درگیری بین نیروهای مهاجم ارتش بعث عراق و نیروهای جمهوری اسلامی ابعاد گسترده‌تری یافت و تمام پاسگاه‌های مرزی را فراگرفت.» بنا به همین گزارش: «اینک نبرد با ابعاد گسترده‌اش در پاسگاه‌های پرویز، هدایت، تنگاب‌نو، یکه‌شان، برج احمدی، خان‌لیلی، برارعزیز، دارخور، دربندجوق، بیشگان، باباهادی، تنگ توشابه [ترشابه]، تنگ کوان و تپه‌رش جریان دارد.»^(۴)

در ادامهٔ اقدامات خرابکارانهٔ عوامل داخلی عراق، برابر اعلام ژاندارمری، ساعت ۲۳ امروز، مهاجمان ضدانقلاب در هفت کیلومتری پاسگاه بالاتاق - کردند، جلو اتومبیل‌های عبوری را گرفته و مبادرت به تیراندازی کرده‌اند که در نتیجه ۲ نفر از اهالی کشته شده‌اند و یک نفر زخمی شده است.^(۵) در این درگیری، همچنین مهاجمان ضدانقلاب رانندهٔ یک کمپرسی را به گروگان برده‌اند.^(۶)

در نقاط مرزی خوزستان نیز ساعت ۲۳ امروز، مأموران عراقی که در منطقهٔ مرزی پاسگاه طلائیة قدیم (تابع گروهان هوزگان) قصد آسیب‌رساندن به تأسیسات نفتی منطقه را داشتند، با افراد پاسگاه مواجه و درگیر شدند. این درگیری تا ساعت ۲:۲۰ دقیقه بامداد روز بعد، با

تیراندازی و شلیک گلوله منور توسط نیروهای عراقی و پاسخ متقابل نیروهای ایرانی ادامه داشت و سپس عراقی‌ها متواری شدند.^(۷)

گزارش منابع اطلاعاتی ارتش نیز حاکی است که امروز «یک واحد توپخانه متشکل از ۶ توپ گروهان یکم از گردان ۲۵ تابع لشکر ۵ بصره به فاصله ۵ کیلومتری پاسگاه الطعه (مقابل پاسگاه دیرفارم، جمعی گروهان آبادان) اعزام و مستقر گردیده است.»^(۸) در گزارش مشابه دیگری آمده است: «دولت عراق در ۳ کیلومتری جنوب ابوالخصیب، یک پست کنترل هوایی به شماره ۸۹۹ که مجهز به رادارهای متحرک می‌باشد تشکیل داده است. استعداد پرسنل این پست ۳۸ نفر که شامل ۳ نفر افسریار، ۷ نفر درجه‌دار، ۲۸ سرباز و ۵ دستگاه خودرو روسی می‌باشد.»^(۹)

۳۸۵

منابع اطلاعاتی ارتش از تشکیل یک شبکه جاسوسی در آبادان توسط سازمان استخبارات عراق خبر می‌دهند. بنا به این گزارش: «سازمان استخبارات کشور هدف مبادرت به تشکیل یک شبکه جاسوسی در شهر آبادان نموده که این شبکه زیر نظر شاپور بختیار، نخست‌وزیر پیشین ایران، فعالیت می‌کند.» این گزارش در ادامه می‌افزاید: «سازمان امنیت عراق تعدادی از افسران ورزیده خود را جهت همکاری با شبکه مزبور و نخست‌وزیر سابق ایران، مأمور نموده است.» براساس این گزارش، شبکه مزبور در تاریخ ۱۳ تیر ۱۳۵۹ در آبادان تشکیل شده است.^(۱۰)

یک گزارش دیگر از همین منبع حاکی است که دولت امارات متحده عربی مبادرت به صدور گذرنامه برای ایرانیان متواری به عراق می‌کند.^(۱۱)

در این حال، «مأمورین سفارت عراق در کشور امارات عربی متحده سرگرم فعالیت‌های زیادی در جهت پشتیبانی از ایرانیان اهل تسنن و ایجاد اختلاف بین شیعیان و سنی‌های ایران در منطقه می‌باشند و همچنین سعی دارند اخبار مربوط به وقایع کردستان را برعکس جلوه داده و از این طریق به عنوان مختلف بهره‌برداری سیاسی نمایند. ضمناً دولت امارات نیز از سنیان ایران حمایت و پشتیبانی می‌کند.»^(۱۲)

علاوه بر این تحرکات اخیر و تجاوزات مرزی عراق در مناطق مرزی خوزستان از یک سو و تشدید فعالیت عوامل داخلی وابسته به عراق از سوی دیگر وضعیت این مناطق را بحرانی نشان می‌دهد و باعث نگرانی‌هایی در مسئولان نظامی کشور شده است. از این رو امروز ناحیه ژاندارمری خوزستان، "دستورالعمل برقراری امنیت و مراقبت از مرزهای خوزستان" را که در تاریخ ۱۳۵۹/۵/۲۸ از سوی فرمانده کل ژاندارمری جمهوری اسلامی تهیه و صادر شده، به استانداری خوزستان و واحدهای نظامی و انتظامی این استان ابلاغ کرد. در این دستورالعمل از نیروهای مسلح مستقر در خوزستان و مرزهای خشکی و آبی این استان خواسته شده است تا بر مراقبت‌های خود افزوده و هرگونه تحرکات و تجاوزات دشمن و عوامل وابسته به آن را سرکوب کنند. در این دستورالعمل کلی که در سه بند به

"وضعیت" دشمن و خودی و نیز "مأموریت" و "اجرا" پرداخته شده، از همه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی درخواست هماهنگی بیشتر با یکدیگر شده است.^(۱۳)

۳۸۶

مهم‌ترین درگیری‌های امروز مناطق کردنشین مربوط به کامیاران است. گزارش‌های رسیده از عملیات پاک‌سازی منطقه کامیاران حاکی است که «ازسوی ارتش جمهوری اسلامی ایران با کمک هلیکوپترهای کبرا و نیروهای پیاده به حملات مهاجمین [ضدانقلاب] پاسخ داده می‌شود و در این درگیری‌ها صدها تن از مهاجمین [ضدانقلاب] کشته و ۱۰ تن از آنها از جمله ۲ دختر زخمی شدند. در این درگیری‌ها همچنین ۳ افسر و درجه‌دار ارتش به شهادت رسیدند و ۴ ارتشی دیگر به علت انفجار مین مجروح شدند.»^(۱۴) یادآوری می‌شود ستاد عملیات غرب کشور، قبلاً اخطار کرده بود که افراد وابسته به گروه‌های مسلح غیرقانونی بایستی سلاح‌های خود را زمین بگذارند و گرنه سرکوب خواهند شد.^(۱۵)

مرکز فرماندهی غرب کشور در گزارش دیگری آخرین وضعیت نیروهای خودی و درگیری‌های امروز در پاک‌سازی منطقه کامیاران را بدین شرح بیان کرده است: «بعد از گرفتن مرتفع‌ترین تپه اطراف گازرخانی واقع در ۳۵ کیلومتری غرب کامیاران (مقر سوم)، حدود ۵۰ نفر پاسدار از کرمانشاه و ۳۰ نفر از کمیته تهران [روی تپه] مستقر شدند و ارتش ۵ تانک هرکدام با ۴ خدمه در پایین تپه و در شرق آن قرار داد و کلیه افراد ارتش به مقر دوم و اول که به ترتیب در ۷ و ۱۵ کیلومتری کامیاران می‌باشد، نقل مکان کرده‌اند که در بازدید امروز مشاهده شد که محل استقرار تانک‌ها بسیار نامناسب و امکان عمل برایشان نمی‌باشد و افرادی از ارتش برای حفاظت از تانک‌ها نیز نبود.»

در بخش دیگری از این گزارش آمده است: «در ساعت ۱۸ امروز، حمله به تپه از غرب با خمپاره شروع شد که تانک‌ها به علت اینکه در پشت تپه قرار داشتند نه تنها امکان تیراندازی برایشان نبود، بلکه در محاصره نیز افتادند و پاسداران مستقر در تپه به علل زیر روحیه خود را از دست دادند: ۱. خالی کردن ارتش و در همین رابطه تضعیف روحیه افراد سپاه. ۲. عدم هماهنگی بین افراد سپاه و کمیته. ۳. تضعیف روحیه شدید افراد به وسیله افراد کمیته. ۴. عدم فرماندهی خوب و عدم تاکتیک. ۵. استقرار بسیار بد خمپاره‌اندازها و تیربارها. ۶. ضعف روحیه ناشی از درگیری که قبل از آن بین افراد ارتش و سپاه پیش آمده بود. ۷. عدم اجرای برنامه‌هایی که از قبل در ستاد مشترک طرح‌ریزی و توافق شده بود.» در ادامه این گزارش درباره درگیری امروز آمده است: «درگیری با خمپاره تا ساعت ۲۰، ادامه داشت و بعد قطع شد و بعد بنا به اظهار یکی از پاسداران، ۲ خدمه کالیبر ۵۰ به وسیله افراد مهاجم [ضدانقلاب] شهید و کالیبر ۵۰ به تصرف [مهاجمین] درمی‌آید. بعد از آن، سروان قادری به ۶ نفر ارتشی مستقر در بالای تپه و بچه‌ها می‌گوید عقب‌نشینی کنید. عده‌ای از

افراد عقب‌نشینی کرده و به پایین تپه می‌آیند و بقیه نیز تا ساعت ۳ بعد از نیمه‌شب [روز بعد]، به مبارزه ادامه می‌دهند که بعد از آن، به دستور فرمانده توپ ارتش، [منطقه] به توپ بسته می‌شود که علت آن را کشته‌شدن افراد روی تپه ذکر می‌کنند. در این موقع بقیه افراد با هر زحمتی که شده تپه را ترک می‌کنند. در این بین، ۹ نفر شهید و ۳ نفر مجروح می‌شوند. ...»^(۱۶)

در این حال، منابع عراقی مشاهدات و اطلاعات خود را از درگیری امروز منطقه کامیاران بدین شرح گزارش کرده‌اند: «در تاریخ ۵۹/۶/۵ بین ارتش ایران و حزب رزگاری و دمکرات کردستان درگیری شدیدی روی داده که در این درگیری هلیکوپترهای مسلح ایران نیز شرکت داشتند که در نتیجه ۱۶ سرباز ایرانی اسیر که ۹ نفر آنها نزد حزب رزگاری و ۷ نفر نزد دمکرات می‌باشند و ۳ هلیکوپتر سقوط و یک تانک و تعدادی خودرو نظامی به آتش کشیده شده است.»^(۱۷) در ادامه درگیری‌ها و نبردهای خونین امروز غرب کشور علاوه بر کامیاران، اوضاع مناطق نوسود، نودشه، محورهای مواصلاتی سنندج و سقر و نیز نقاطی در مریوان، بانه و شاهین‌دژ ناآرام گزارش شده است.

گزارش خبرنگار کیهان از کرمانشاه حاکی است: «ستاد عملیات غرب کشور در سه اطلاعیه پی‌درپی به افراد [وابسته به گروه‌های] مسلح غیرقانونی در منطقه کامیاران، نوسود و نودشه شدیداً اخطار کرد که هرچه زودتر اسلحه‌های خود را زمین بگذارند، در غیر این صورت از راه هوا و زمین مناطق آلوده به ضدانقلاب سرکوب خواهد شد.» کیهان می‌افزاید: «عملیات شدید هوایی و زمینی واحدهای ستاد غرب کشور، گروه‌های مسلح و وابستگان و مزدوران منطقه کردستان و نوار مرزی را به‌سوی مرز عراق کشانیده است.» در این گزارش همچنین آمده است: «با تجمع گروه‌های مسلح در نوار مرزی نوسود، این نقطه به‌صورت پایگاه بزرگ این گروه‌ها درآمده است.»

کیهان در ادامه، به نقل از فرماندار مریوان، افزوده است: «مخابرات مریوان که در جریان حملات اخیر ضدانقلابیون از کار افتاده بود و به‌علت عدم ارتباط با شهرهای دیگر مشکلاتی برای اهالی شهر ایجاد کرده بود بر اثر فعالیت کارکنان مخابرات مریوان امروز به کار افتاد و ارتباط تلفنی این شهر با سنندج و دیگر نقاط ایران برقرار شد. وی افزود: همچنین به‌علت نبودن مواد سوختنی، مردم در مضیقه به سر می‌بردند، در این مورد نیز با فروش نفت، گازوئیل و بنزین توسط شرکت نفت، این مشکل نیز رفع شد.»^(۱۸)

در امر پاک‌سازی محور دیواندره - سنندج نیز گزارش نیروی زمینی ارتش حاکی است که «در ساعت ۲۰:۳۰ دقیقه امروز در موقع گشت، گروه رزمی و سپاه در جاده دیواندره - سنندج، (در ۱۰ کیلومتری دیواندره) با حمله مهاجمین [ضدانقلاب] که حدود ۳۰ نفر بودند روبه‌رو و سریعاً به آتش آنان با کمک‌های نفربرهای زرهی پاسخ داده شد و مهاجمین با برجای گذاشتن

* ضمیمه دارد؛ گزارش مبسوط ستاد سپاه پاسداران غرب کشور از عملیات کامیاران - گازرخانی.

یک نفر اسیر و ۴ زخمی، از تاریکی هوا استفاده و از محل درگیری عقب‌نشینی کردند و ضمناً یک نفر پاسدار و یک گروه‌بان ارتش مفقود شدند.^(۱۹)

همچنین، «در درگیری که عصر امروز بین پیشمرگان مسلمان کرد و پاسداران انقلاب اسلامی از یک‌سو و مهاجمین مسلح [ضدانقلاب] از سوی دیگر در جادهٔ موجش واقع در دهگلان سنج در گرفت، ۴ تن از پیشمرگان مسلمان کرد و برادران پاسدار از جمله فرمانده پیشمرگان مسلمان کرد شاخهٔ پیروچای سرش‌آباد به شهادت رسیدند.»^(۲۰)

یک گزارش دیگر حاکی است که امروز عناصر ضدانقلاب چهار خمپاره به‌سوی مقر پیشمرگان مسلمان کرد در محمودآباد سقز پرتاب کردند. علاوه‌براین، در یک حملهٔ پنج‌ساعته نیز برادر شلیک خمپاره به منزلی مسکونی، یک نفر زخمی شده است.^(۲۱) از همین منطقه خبر می‌رسد که در ساعت ۱۴:۳۰ دقیقهٔ امروز، تیراندازی شدیدی در اطراف سپاه سقز و هنگ ژاندارمری برینال‌گام صورت گرفته است.^(۲۲) شامگاه امروز نیز تعدادی از افراد وابسته به گروه‌های مسلح غیرقانونی در دسته‌های ۳ و ۴ نفری وارد شهر سقز شده و قرار گذاشته‌اند که به سپاه پاسداران و ارتش حمله کنند.^(۲۳) همچنین امروز یک نفر از اعضای مهم حزب دمکرات در سقز، در جادهٔ خاکی صالح‌آباد، دستگیر و تحویل سپاه سقز گردید.^(۲۴)

علاوه‌بر موارد مذکور، گزارش‌هایی از تحرکات و اقدامات گروه‌های مسلح غیرقانونی در زمینهٔ تقویت، جابه‌جایی و تجمع نیرو و تجهیزات در مناطق مختلفی از جمله قریهٔ شیخ بوکان، بانه، کوه‌های برستم در مریوان (ساخت باند بالگرد در ارتفاعات این منطقه)، اورامانات - مریوان، دزلی و اورامانات تخت و اطراف هانی‌گرمله مخابره شده است.^(۲۵)

۳۸۷

اوضاع در مناطق کردنشین آذربایجان غربی، به‌ویژه در پی کشته‌شدن سرگرد عباسی فرمانده نظامی و عملیاتی حزب دمکرات کردستان در مهاباد و نیز اقدام گروه‌های مسلح معاند با نظام در به‌گروگان‌گرفتن حدود ۵۰۰ نفر از مسافران در جادهٔ میاندوآب - مهاباد و مهاباد به سهراهی محمدیار، به‌شدت بحرانی به نظر می‌رسد؛ به‌خصوص که گفته می‌شود مهاجمان وابسته به گروه‌های مسلح غیرقانونی قصد دارند از گروگان‌ها به‌عنوان سنگر برای جلوگیری از ورود ارتش به مهاباد بهره گیرند. در پی این گروگان‌گیری، سرهنگ زکیانی، فرمانده لشکر ۶۴ پیاده ارومیه، با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «در اجرای اوامر نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، مقرر است کلیهٔ گروگان‌ها که در مسیر میاندوآب - مهاباد و مهاباد به سهراهی محمدیار و بالعکس به‌وسیلهٔ گروه‌های مسلح غیرقانونی دستگیر شده‌اند، بدون هیچ‌گونه قید و شرطی در اسرع وقت آزاد و در غیر این صورت تصمیمات شدیدتری به مرحلهٔ اجرا گذاشته خواهد شد.» گزارش خبرنگار روزنامهٔ انقلاب/سلامی حاکی است که این اطلاعیه به‌وسیلهٔ بالگرد بر فراز مناطق مذکور

پخش شده است. این گزارش با اشاره به حملات روزهای گذشته گروه‌های مسلح معاند با نظام به مقر سپاه پاسداران و ژاندارمری در مهاباد، می‌افزاید: «در ساعت ۱۳:۳۰ دقیقه امروز نیز یک خودرو ارتشی حامل خواربار که به طرف نقده در حال حرکت بود در مسیر جاده در محل جبرئیل آباد در اثر برخورد با مین منفجر شد و ۳ تن از برادران سرباز زخمی شدند که حال یکی از آنها که از ناحیه سر به شدت آسیب دیده، وخیم است.»

در ادامه این گزارش مصاحبه با فرمانده لشکر ۶۴ ارومیه انتشار یافته؛ وی درباره وضعیت راه‌های منطقه گفته است: «در جاده‌های اشنویه به نقده و پیرانشهر به نقده و ارومیه رفت‌وآمد آزاد است و این جاده‌ها تحت کنترل شدید ارتش قرار دارد.» زکیانی افزود: «نیروهای مستقر در شهرستان مهاباد در ارتفاعات مشرف به شهر استقرار یافته و از مهاباد تا سهراهی نقده رفت‌وآمد با احتیاط صورت می‌گیرد. همچنین در میاندوآب نیروهای ارتش استقرار دارند و رفت‌وآمد در این شهر و مهاباد با احتیاط انجام می‌پذیرد و بعضی از اوقات با اشکال صورت می‌گیرد.»

سرهنگ زکیانی در پاسخ به این سؤال که در چه شهرهایی از منطقه، نیروهای ارتش مستقر هستند، اظهار کرد: «در پادگان‌های نظامی شهرهای ارومیه، قوشچی، سلماس و خوی، یگان‌های ارتش در حال حاضر مستقرند و از نزدیک مراقب اوضاع هستند.» وی همچنین گفت: «در منطقه نزدیک اشنویه مقر ضدانقلابیون رو به اضمحلال است و نیروهای ضدانقلاب در حال حاضر نیروهای خود را در پیرانشهر، مهاباد و قسمتی از اشنویه متمرکز کرده‌اند.» بنا به همین گزارش، «نیروهای ارتش در شهرهای مهاباد، بوکان، پیرانشهر و اشنویه در پادگان‌ها مستقر است و به‌طور کلی شهرهای فوق در تسلط نیروهای مسلح غیرقانونی قرار دارد.»^(۲۶) یک گزارش از منابع خودی نیز حاکی است: «در حال حاضر مهاجمین مسلح [ضدانقلاب] در قرای مرزی ارومیه مستقر هستند و هر چند وقت یکبار، حملاتی به پاره‌ای نقاط استان انجام می‌دهند، ولی آنچه که حائز اهمیت می‌باشد این است که پس از درگیری روستای "بند" که بین پاسداران انقلاب و گروه‌های مهاجم [ضدانقلاب] انجام گرفت، مهاجمین [ضدانقلاب] مترصد هستند که دامنه درگیری را به داخل شهر بکشانند و خود را برای جنگ شهری آماده می‌کنند.»^(۲۷)

از میاندوآب نیز خبر می‌رسد که «از طرف میاندوآب به مهاباد ۳۰ کیلومتر مانده، افراد دمکرات در کافه امیرآباد تقویت شده‌اند و با کوچک‌ترین شک، گروگان می‌گیرند. شهر به‌طور کامل تعطیل، مغازه‌ها بسته و افراد دمکرات در کوچه و خیابان‌ها کمین کرده‌اند.» این گزارش به نقل از برخی اکراد منطقه سومای ارومیه افزوده است: «چهار نفر از افراد دولت را گروگان و به قریه شمیران از توابع سومای برادوست، محل سکونت "سنار مامدی" برده‌اند. حزب دمکرات به‌طور مستقیم دخالت دارد و افراد را جریمه و دادگاهی می‌کند، اسلحه نیز به‌طور مداوم [بین مردم پخش] و اجناس ایرانی و ماشین از منطقه خارج می‌شود.»^(۲۸)

از سوی دیگر، در پی اعلام ژاندارمری مبنی بر خروج نیروهایش از شهر اشنویه در تاریخ ۱۳۵۹/۵/۲۱ و درخواست سپاه برای توضیح ماجرا باتوجه به مسائل غرب، امروز ستاد مشترک ارتش پاسخی بدین شرح صادر کرد: «در نظر گرفته شد که به منظور پس گرفتن تانک مسروقه به اهالی شهر اشنویه و حومه با پخش اعلامیه و مذاکره تلفنی از طریق آقای استاندار با انجمن شهر [هشدار داده شود]، چنانکه تا ساعت مقرر گروه‌های مسلح غیرقانونی از دادن تانک خودداری نمایند، ارتش با تمام قدرت به سرکوبی و انهدام شهر و نقاط مظنون اقدام خواهد کرد. به همین منظور برای اینکه به یگان‌های ژاندارمری مستقر در شهر از طرف خودی و گروه‌های مسلح غیرقانونی آسیبی وارد نیاید، دستور داده شد فوراً به پایگاه نلی‌وان در ۲ کیلومتری شمال اشنویه، تغییر مکان یابد [تا] بدان وسیله لشکر فوق [لشکر ۶۴ ارومیه] به دستگیری اعضای انجمن شهر و تانک مسروقه [اقدام] کند.»^(۲۹)

در این حال، به دنبال گزارش نیروهای اطلاعاتی خودی از وجود ۲۰۰۰ نفر از افراد وابسته به گروه‌های مسلح غیرقانونی در مناطق و ارتفاعات سردشت و پیرانشهر، نیروی هوایی ارتش اعلام کرد که امروز «از منطقه سردشت و پیرانشهر [گشت هوایی] انجام و هیچ‌گونه مورد مشکوکی مشاهده نگردید.» در هاشم این گزارش آمده است: «این تلفنگرام پیرو تلفنگرامی است که سپاه جهت بررسی اخبار مربوط به وجود ۲۰۰۰ نفر از ضدانقلابیون در اطراف سردشت و پیرانشهر به سماجا داده شده بود و این چندمین بار است که هواپیماهای گشتی سماجا چیزی نمی‌بینند.»^(۳۰)

۳۸۸

خبرها و گزارش‌های متعدد و بعضاً ناهمگون از مناطق مختلف، به‌طور کلی ناآرامی‌ها را در نقاط دیگری علاوه بر مناطق غرب و جنوب غربی نشان می‌دهد.

در ساعت ۶:۳۸ دقیقه امروز، یک شیب پرنده در صفحه رادار فرودگاه زاهدان ظاهر شد که بلافاصله مراتب به پایگاه هوایی بندرعباس گزارش و از طریق این پایگاه، یک جت شکاری برای انهدام آن اعزام شد، ولی در نیمه راه، شیء مذکور از صفحه رادار محو گردید. طبق این گزارش، «از این خبرها بارها به ستاد مشترک ارتش داده شده که برادران نیروی هوایی آن را ندیده‌اند.»^(۳۱)

از یزد نیز خبر رسیده است که ساعت ۲۰ امروز، بمبی در حجره دو تن از طلاب مدرسه مصلاهی یزد منفجر شده است. طبق این گزارش، «این دومین بار است که ضدانقلاب در این مدرسه دست به فعالیت زده و چند ماه قبل نیز در این مدرسه حضرت آیت‌الله صدوقی مورد سوء قصد قرار گرفتند.»^(۳۲)

امروز خبرگزاری پارس از وضعیت فعالیت و تحرکات گروه‌های سیاسی در شهرهای مختلف مازندران گزارشی ارائه داد که در تحلیل وضع کنونی، از نظر موازنه قدرت جریان‌های مختلف مذهبی - سیاسی منطقه قابل توجه است. در این گزارش آمده است:

«به‌طور کلی مازندران را از نظر جو سیاسی به سه منطقه می‌توان تقسیم کرد: قسمت اول، شامل آمل، بابل، قائم‌شهر و بابل‌سر که فعالیت هواداران گروه‌های سیاسی به‌خصوص جنبشی‌ها [طرفداران سازمان مجاهدین خلق (منافقین)] در این مناطق گسترده‌تر است و شهرهای بهشهر، بندرگز، نور، ساری و گلوگاه از این نظر در مرحله دوم قرار دارد. اما در شهرهای قائم‌شهر در وهله اول و سپس گنبدکاووس، هواداران چریک‌های فدایی فعالیت بیشتری دارند و می‌توان گفت که مرکزیت آنها در قائم‌شهر است و دلیل آن هم این است که قائم‌شهر مرکز فعالیت کارخانه‌های تولیدی از جمله نساجی مازندران است و کمونیست‌ها بیشتر در محیط‌های کارگری نفوذ می‌کنند تا سایر مناطق. در گنبد نیز فعالیت تبلیغاتی و توطئه‌گری این گروه تقریباً زیاد است و آنجا را به‌سبب وجود فقر و تنگدستی در بین زابلی‌هایی که از مدت‌ها قبل به کارگری در مزارع مشغول بوده‌اند انتخاب کرده‌اند و بارها مشاهده شده که تحریکاتی در بین این قشر از ساکنین گنبد صورت گرفته است. این به‌اصطلاح فدائیان خلق، گنبد را همچنین به‌خاطر سکونت شیعه و سنی انتخاب کرده‌اند که بتوانند با ایجاد اختلاف بین تسنن و تشیع موجبات برهم‌زدن نظم عمومی و ناراحتی مردم را فراهم کنند.

در گرگان نیز فعالیت چپی‌ها تقریباً زیاد است. درگیری‌های گروهی در مازندران بیشتر در شهرهای بابل‌سر، قائم‌شهر، آمل و تنکابن صورت می‌گیرد و افراد مذهبی بیشتر در این زمینه‌ها فعالیت دارند، به‌طوری‌که در بعضی موارد مشاهده شده که برای برچیدن بساط هواداران گروهک‌ها به شهرهای دیگر سفر کرده‌اند. در ساری، آمل، بابل و تنکابن نیز فعالیت جوانان مذهبی چشمگیر است و توطئه‌گران کمتر فرصت عرض‌انداز پیدا می‌کنند. صرف‌نظر از برخوردهای گاه‌وبی‌گاه بین جنبشی‌ها و افراد مذهبی در سطح مازندران، در حال حاضر مسئله‌ای وجود ندارد و شکایت مردم بیشتر به‌خاطر کمبودها، اجحاف‌ها، گران‌فروشی‌ها و نارسایی‌های موجود در ارگان‌های اداری و انقلابی است. از سوی دیگر، تفرقه گروه‌های مذهبی، نبودن روحانیون متعهد و طراز اول در منطقه و اختلاف بین نهادهای انقلابی و دادستانی انقلاب موجبات نگرانی مردم منطقه را فراهم کرده است.

به‌طور کلی برخوردهای سیاسی یکی از عمده‌ترین ویژگی‌های استان مازندران است. می‌توان گفت لااقل روزی چندین درگیری بین هواداران جنبش [مجاهدین خلق] و افراد مخالف آنان (که اغلب توده مردم و جوانان عضو انجمن اسلامی و فدائیان اسلام و دیگر جوانان مسلمان هستند) روی می‌دهد. تبلیغات هواداران جنبش [مجاهدین خلق] مازندران بسیار وسیع است، به‌طوری‌که

همه‌جا را از عکس‌های شهدای گذشته سازمان و رهبران کنونی پر کرده‌اند و در پای هر پوستر و پلاکارد نصب‌شده چند عدد کتاب (۵ تا ۶ عدد) چیده شده است و یک یا دو نفر بر آن نظارت دارند. در اغلب پلاکاردها به پاسداران حمله شده و به آنان چماق‌داران ارتجاع لقب داده‌اند. اغلب درگیری‌ها در قائم‌شهر و ساری است که غالباً با زخمی‌شدن عده‌ای که اکثراً باهم آشنا هستند ختم می‌شود. به‌طور کلی می‌توان از گروه‌های چپ پیکار، فدایی و توده‌ای به‌عنوان مدافعان جنبش [مجاهدین خلق] و بالعکس نام برد. در اغلب شب‌نامه‌هایی که در شهرهای این استان به‌خصوص در قائم‌شهر که یک منطقه کارگری است منتشر می‌شود، به رهبران انقلاب از جمله امام و آیت‌الله منتظری و نخست‌وزیر، همچنین رئیس‌جمهوری و دیگر دست‌اندرکاران انقلاب توهین و تهمت وارد می‌شود. اکثر هواداران این سازمان در ساری در قسمت‌های اعیان‌نشین شهر زندگی می‌کنند و غالباً جوانان کم‌سن و سال در بین هواداران جنبش دیده می‌شود. ... نبودن روحانی انقلابی در این منطقه و وجود شرایط خاص (فقر فرهنگی و اقتصادی، و وجود شیعه و سنی) باعث شده است که افراد مذهبی به چند دسته از جمله جوانان شورای انجمن اسلامی و جوانان انجمن‌های اسلامی و طرف‌داران فدائیان اسلام تقسیم شوند. اگر در بین این نیروها وحدت ایجاد شود و خط مکتبی به آنها داده شود نیروهای قابل‌توجهی را تشکیل می‌دهند.»^(۳۳)

۳۹۰

در بازتاب رسانه‌ای مسائل عراق، دوری از سوریه و نیز نزدیکی به کشورهای غربی، همچنان به چشم می‌خورد.

به گزارش امروز روزنامه ایتالیایی /یل تمپو (لیبرال): «کارخانه‌های کشتی‌سازی اتوملار ایتالیا مشغول مذاکره با دولت عراق برای مسلح کردن ۱۲ ناو جنگی این کشور است. قراردادی که قرار است ظرف چند روز آینده در بغداد به امضا برسد چند شرکت غربی را شامل می‌شود.» این روزنامه افزود: «مبلغ قرارداد به حدود ۴۰۰ میلیون فرانک (۷۰۰ میلیون تومان) بالغ می‌شود که از این مقدار، نصف آن به اتوملار می‌رسد.» به نوشته ایل تمپو، «شرکت‌های آمریکایی این ناوها را از لحاظ وسایل استراتژیکی مجهز می‌کنند، درحالی‌که اتوملار بر روی آنها توپ‌های ۷۶ میلی‌متری که ۴۵ تیر در دقیقه شلیک می‌کنند نصب خواهد کرد. کارخانه‌های اتوملار همچنین موشک‌های خودکار دریابه‌دریا که با پرواز در نزدیکی امواج دریا، رادارها را خشی می‌کنند، تحویل خواهد داد.»^(۳۴)

از سوی دیگر، امروز رادیو دمشق اعلام کرد: «عزیز رشید عقراوی وزیر مشاور عراق که دیروز به دمشق پناهنده شده و استعفای خود را از دولت عراق اعلام کرد، امروز با عبدالله الاحمر، دبیرکل حزب بعث سوریه، ملاقات کرد. عقراوی - که کرد است - در جریان یک مصاحبه مطبوعاتی، که در دمشق انجام شد، همبستگی خود را با "نهضت ملی کرد" اعلام کرد و گفت قصد دارد برای ایجاد یک نظام دمکراتیک در عراق و یک خودمختاری واقعی برای

کردستان مبارزه کند. وی همچنین "اعمال سرکوبگرانه رژیم دیکتاتوری صدام حسین مستبد" را محکوم کرد.^(۳۵) رادیو دمشق افزود: «عقراوی اظهار کرد که وی از عراق فرار کرده، چون دیگر نمی‌تواند بیش از این در دولت عراق باقی بماند.»^(۳۶)

یادآوری می‌شود در پی پناهنده شدن عزیز رشید عقراوی، وزیر مشاور دولت بعث عراق، به سوریه وی در یک نشست مطبوعاتی در دمشق اعلام کرد که «رژیم خون‌آشام صدام حسین، خلق عراق را مورد ارباب و تهدید قرار داده و مبارزان را سرکوب می‌کند.» عقراوی - که یک کرد است - در این نشست با ارائه اسناد و شواهد فاش کرد که «ارتش رژیم صدام حسین ۱۲۰۰ روستای کردنشین را با خاک یکسان کرده و منابع آب را خشکانیده و محصولات کشاورزان کرد را آتش زده است. در نتیجه ۶۰ هزار کرد از خانه و کاشانه خود فرار کرده‌اند.» وی گفت که به جنبش مقاومت کردها در عراق علیه رژیم صدام می‌پیوندد. عقراوی تأکید کرد: «رژیم صدام حسین هزاران تن از مخالفان را اعدام کرده و در چند شهر تظاهرات را به خاک و خون کشیده است.» وی از تباری دولت صدام با حکومت سادات و آمریکا پرده برداشت و گفت: «عراق روزانه صد هزار بشکه نفت به آمریکا تحویل می‌دهد و تاکنون میلیون‌ها دینار (عراقی) در اختیار سادات قرار داده است.» عقراوی ضمن اشاره به توطئه‌های رژیم بعث عراق علیه ایران گفت: «صدام به ساواکی‌ها و افسران فراری ایران پناه داده و به این فراریان در توطئه علیه ایران کمک می‌کند.»^(۳۷) در این حال، مسئولان حزب بعث عراق در واکنش به فرار و سخنان عقراوی اعلام کردند که مایل به پاسخ‌دادن به دروغ‌ها و بددهنی‌های عزیز عقراوی وزیر مشاور عراقی که سه‌شنبه گذشته به دمشق پناهنده شد، نیستند. در این زمینه، *الثوره* روزنامه رسمی حزب بعث عراق از عزیز عقراوی (معروف به رشید عزیز در عراق) به عنوان بی‌لیاقت و خائن یاد کرد و نوشت: «عزیز عقراوی پس از درک این مطلب که نمی‌تواند یک رهبر سیاسی شود، خیانت را ترجیح داد. ...»^(۳۸)

۳۹۱

به دنبال بالاگرفتن اختلاف بنی‌صدر و رجایی درباره تفاهم بر سر اعضای کابینه جدید و نیز رواج شایعاتی در مورد استعفای نخست‌وزیر، امروز رجایی به مدت نیم‌ساعت با امام خمینی ملاقات کرد. گزارش کیهان در این باره حاکی است: امروز «هنگامی که شایعه‌سازان حرفه‌ای با استفاده از تمام امکانات و با شدت تمام در سطح شهر شایعه استعفای نخست‌وزیر را پخش می‌کردند، محمدعلی رجایی با رهبر انقلاب اسلامی ایران ملاقات بسیار مهمی انجام داد که به خودی خود به تمام این شایعات پایان داد.» کیهان می‌افزاید:

«ملاقات رهبر انقلاب اسلامی ایران و نخست‌وزیر از اهمیت زیادی برخوردار است، چراکه نشان می‌دهد که تلاش‌های حاج سیداحمد خمینی، فرزند رهبر انقلاب اسلامی ایران، نتایج بسیار مثبت به بار آورده است و نظرات طرف‌های مختلف جلب شده است. این ملاقات که ظهر امروز

پس از جلسه شب گذشته در منزل رئیس جمهوری صورت گرفت، همچنین نشانگر رفع اختلاف نظرها - حداقل - در سطح معرفی کابینه است. جلسه دیشب که در منزل دکتر بنی صدر، رئیس جمهوری، با حضور نخست وزیر، محمدعلی رجایی، حجت الاسلام حاج سیداحمد خمینی و حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی و آیت الله موسوی اردبیلی، دادستان کل کشور (که ضمناً از سران حزب جمهوری اسلامی هستند)، همراه با آیت الله مهدوی کنی وزیر کشور و عضو شورای نگهبان و مهندس بازرگان و مهندس معین فر و مهندس عزت الله سحابی تشکیل شد و خبر آن ساعتی پیش از ظهر امروز، انتشار یافت، بیشتر جلسه ای برای نزدیک کردن آرا و عقاید رئیس جمهوری، سران حزب جمهوری اسلامی و نخست وزیر بوده است. ملاقات امروز رجایی با رهبر انقلاب نشان داد که این جلسه نتایج بسیار مثبتی به بار آورده است و باید این موفقیت - تا همین جا - را مدیون فعالیت های وسیع و مثبت حاج سیداحمد دانست. ...»^(۳۹)

از سوی دیگر، نخست وزیر در پایان دیدار امروز خود با امام خمینی درباره موضوعات مطرح شده در این ملاقات گفت: «صحبت از مشکلاتی بود که بر سر راه است و امام به طور جدی فرمودند من روی هیچ شخص خاصی نظر ندارم و تأکید داشتند به اینکه مکتب و اعتقادات را در درجه اول اهمیت قرار بدهید و براین اساس توصیه کردند که هرچه بیشتر ممکن است تفاهم کنید تا ان شاء الله بتوانید کابینه را تشکیل و معرفی کنید.»

رجایی همچنین تأکید کرد که «کابینه امروز معرفی نخواهد شد.» وی درباره نتایج جلسه شب گذشته با بنی صدر اظهار کرد: «ملاقات با آقای بنی صدر بسیار مفصل بود، بحث هم تمامش روی افراد نبود بلکه روی معیارها بحث می کردیم و قسمت عمده وقت را توضیح معیارها که برای انتخاب لازم است، گرفته بود و این دیدار ۸ ساعت به طول انجامید.» رجایی همچنین گفت: «تشکیل کابینه در این شرایط که به دنبال افراد صددرصد مکتبی وارد به امور می گردیم، خوب کار مشکلی است. من فکر می کنم که برای داشتن یک کابینه صددرصد مکتبی فرصت خیلی بیشتری لازم بوده که در آیین نامه مجلس برای وضع عادی ۱۰ روز پیش بینی شده است.» وی در مورد حزبی بودن تعدادی از وزرا گفت: «لیستی که نزد من است فقط دو نفر از آنها رسماً عضو حزب جمهوری اسلامی هستند.»^(۴۰)

۳۹۲

باتوجه به انتخاب رسمی نخست وزیر، فشار دیپلماسی برای حل بحران گروگان های امریکایی از سوی برخی کشورهای غربی همسو با امریکا، افزایش یافته است.

هلموت اشمیت، صدراعظم جمهوری فدرال آلمان، در تلگرامی به محمدعلی رجایی، نخست وزیر ایران، ضمن تبریک انتصاب وی به نخست وزیری، ابراز امیدواری کرد که به ماجرای گروگان گیری کارمندان سفارت امریکا در تهران که ازطرف کلیه کشورهای جهان

محکوم می‌شود، پایان داده شود تا از این طریق سدی که بر سر راه همکاری میان ایران و دیگر کشورهای جهان وجود دارد از میان برداشته شود.»^(۴۱)

همچنین «وزیر خارجه انگلستان اظهار امیدواری کرده است که در مذاکراتش با مقامات عربستان سعودی بتواند درمورد مشکلات گروگان‌های آمریکایی در ایران و حمله نظامی شوروی به افغانستان تبادل نظر کند.»^(۴۲)

در این حال، «وزارت خارجه آمریکا رسماً اعلام کرد درحالی که حدود ۳۰۰ روز از دستگیری ۵۲ گروگان آمریکایی می‌گذرد، امید کمی به آزادی آنان می‌رود. جان ترانتر، سخنگوی وزارت خارجه، گفت واشنگتن همچنان کانال‌های مساعد برای آزادی هرچه زودتر گروگان‌ها را دنبال می‌کند. وی افزود: ما تلاش‌های دولت‌های دوست را تمجید می‌کنیم و امیدواریم که مقامات ایران به ناظران بی‌طرف اجازه ملاقات با گروگان‌ها را بدهند. ترانتر گفت ما همچنان دولت ایران را مسئول سلامت جان گروگان‌ها می‌دانیم.»^(۴۳)

ضمیمه گزارش ۳۸۶: گزارش میسوط ستاد سپاه پاسداران غرب کشور از عملیات کامیاران - گازرخی «بعد از گرفتن تپه مشرف به گازرخی به وسیله ارتش و سپاه، حدود ۵۰ نفر پاسداران کرمانشاه و ۳۰ نفر از کمیته تهران و ۶ نفر از ارتش روی تپه مستقر و ۵ تانک نیز هرکدام با چهار خدمه در جلو تپه در جنب چشمه مستقر شدند و بقیه افراد ارتش به مقر دوم و اول، نوه‌د نیز به کرمانشاه برگشتند. در بازدید روز ۵/۶/۵۹ به نظر آمد که محل استقرار تانک‌ها نامناسب انتخاب شده است که گزارش آن در بعدازظهر همان روز به ستاد مشترک اطلاع داده شد.

درگیری از ساعت ۶ بعدازظهر با شلیک خمپاره ازطرف مهاجمین [ضدانقلاب] شروع شد و دقیقاً محل استقرار افراد، مورد حمله قرار گرفت و بعد از بررسی معلوم شد، افراد بومی که برای بردن دوغ و آب به تپه آمده و محل را شناسایی کرده بودند که در همان موقع به وسیله سپاه به مسئله افراد بومی اعتراض شد که فرمانده ارتش جواب داد که مسئله‌ای نیست. شلیک خمپاره‌ها تا ساعت ۸/۵ [بعدازظهر] ادامه داشت که تلفاتی نداشت. در ساعت ۹/۵ شب، مهاجمین [ضدانقلاب] تپه را به محاصره درآورده و از تپه بالا آمدند و به گفته پاسداران، ۲ نفر خدمه کالیبر ۵۰ را شهید کردند و کسی متوجه نشد و وقتی که یکی از پاسداران می‌خواست به آنها سرکشی کند مشاهده می‌کند که چند نفر درحال رقص هستند و می‌گویند "جاش‌ها را کشتیم" و در همین موقع تیراندازی شدید شروع شد که به گفته پاسداران، سروان قادری دستور عقب‌نشینی می‌دهد که عده‌ای عقب‌نشینی می‌کنند. و عده‌ای می‌مانند و به جنگ ادامه می‌دهند. افراد باقیمانده که از پاسداران و کمیته تهران بودند جنگ را ادامه می‌دهند تا در ساعت ۳ بعد از نیمه‌شب، فرمانده توپخانه به خیال اینکه تپه به دست مهاجمین [ضدانقلاب] افتاده است، تپه را به توپ می‌بندد که بقیه افراد مجبور به عقب‌نشینی می‌شوند. در این درگیری ۱۰ نفر شهید (۶ نفر از کرمانشاه و ۳ نفر از کمیته تهران و یک نفر از ارتش) و ۳ نفر مفقود می‌شود، که بعد پیدا می‌شوند. علل بروز این حادثه به‌طور خلاصه به قرار زیر است:

۱. محل استقرار مقر، به‌طوری‌که قبلاً برنامه‌ریزی شده بود، قرار بود که مقر در گازرخی و تپه‌های اطراف آن زده شود و مقر اصلی مهاجمین ضدانقلاب برای حمله به تپه، همین چهار دهات گازرخی بوده است.
۲. دستور عقب‌نشینی به وسیله سروان قادری که موجب دودستگی شده و عده‌ای عقب‌نشینی و عده‌ای ماندند.
۳. خالی کردن ارتش، که خیلی زود انجام گرفت و موجب تضعیف روحیه افراد گردید.
۴. استقرار نامناسب تانک‌ها.

۵. عدم فرماندهی، به طوری که محل استقرار افراد و تیربار کالیبر ۵۰ نامناسب انتخاب شده بود. همان طوری که در گزارش آمده است، اولین سنگری که گرفته شد محل استقرار کالیبر ۵۰ بوده است.
۶. ضعف روحیه افراد از درگیری های لفظی که قبلاً بین افراد سپاه و ارتش پیش آمده بود.
۷. عدم آموزش کامل افراد سپاه و کمیته^(۲۴)

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۹/۶/۵

۱. سند شماره ۴۳۳۹۸ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از مرکز فرماندهی غرب به مرکز فرماندهی سپاه، ۱۳۵۹/۶/۵؛ و - سند شماره ۹۴۲۶۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد مناطق کردنشین (سقز)، ص ۱۲۷، بولتن خبری مرکز فرماندهی (عملیات سپاه)، ۱۳۵۹/۶/۵، ص ۱.
۲. سند شماره ۳۴۳۵۰ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از ژاجا (رکن ۳ - مرکز فرماندهی) به دفتر ریاست جمهوری (دفتر امور انقلاب)، ۱۳۵۹/۶/۵؛ و - سند شماره ۲۷۶۹۴۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از ناحیه کرمانشاه به ت - ف - ژاجا (مرکز فرماندهی) برابر اعلام هنگ قصر شیرین مستند به گزارش گروهان قصر شیرین، ۱۳۵۹/۶/۵.
۳. سند شماره ۹۴۲۶۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد مناطق کردنشین (کردستان)، ج ۱، ص ۲۵۶، بولتن خبری مرکز فرماندهی (عملیات سپاه)، ۱۳۵۹/۶/۵، ص ۱.
۴. روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۶/۶، ص ۲، به نقل از خبرگزاری پارس از قصر شیرین.
۵. سند شماره ۴۰۹۲۸۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد مناطق کردنشین (دیواندره)، ص ۲۷۳، بولتن خبری مرکز فرماندهی (عملیات سپاه)، ۱۳۵۹/۶/۱۰، ص ۳؛ و - سند شماره ۴۰۹۲۸۵ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد مناطق کردنشین (دیواندره)، ص ۲۷۱، بولتن خبری مرکز فرماندهی (عملیات سپاه)، ۱۳۵۹/۶/۱۰، ص ۲.
۶. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۶/۸، ص ۴، خبرنگار جمهوری اسلامی از قصر شیرین.
۷. سند شماره ۳۴۶۶۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از استانداری خوزستان (امور انتظامی) به وزارت کشور (اداره کل امور انتظامی)، ۱۳۵۹/۶/۱۲، برابر گزارش مورخ ۱۳۵۹/۶/۵ هنگ ژاندارمری سوسنگرد مستند به اعلام گروهان هوزگان و پاسگاه طلائیه قدیم.
۸. سند شماره ۴۲۶ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: بولتن اخبار برون مرزی استانداری خوزستان، ۱۳۵۹/۶/۲۶، شماره سریال ۲، ص ۲، به نقل از ناحیه ژاندارمری خوزستان (رکن ۲)، ۱۳۵۹/۶/۵.
۹. سند شماره ۴۲۳۴۶۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از ستاد هماهنگی نیروهای انتظامی استان خوزستان به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اهواز، ۱۳۵۹/۶/۱۰، برابر خبر ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۹/۶/۵.
۱۰. سند شماره ۴۳۳۶۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از ناحیه ژاندارمری خوزستان (رکن ۲) به استانداری خوزستان، ۱۳۵۹/۶/۵.
۱۱. سند شماره ۲۸۷۳۰۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از ناحیه ژاندارمری خوزستان (رکن ۲) به استانداری خوزستان، ۱۳۵۹/۶/۵.
۱۲. سند شماره ۲۸۷۲۹۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از ناحیه ژاندارمری خوزستان (رکن ۲) به تیمسار فرماندهی ژاندارمری کل کشور (رکن ۲)، ۱۳۵۹/۶/۵.
۱۳. سند شماره ۳۴۶۰۹۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از ناحیه ژاندارمری خوزستان به استاندار خوزستان، ۱۳۵۹/۶/۵، تهیه شده از طرف فرمانده ژاندارمری کل کشور (رکن ۳) عملیات، ۱۳۵۹/۵/۲۸.
۱۴. روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۶/۶، ص ۴، خبرنگار کیهان از کرمانشاه.
۱۵. همان.
۱۶. سند شماره ۴۳۴۰۶ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد مناطق کردنشین (کامیاران)، صص ۸۱ و ۸۲، از مرکز فرماندهی غرب به مرکز فرماندهی سپاه، ۱۳۵۹/۶/۶، ساعت ۱۰:۵۰؛ و - سند شماره ۴۰۹۲۸۵ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد مناطق کردنشین (دیواندره)، صص ۲۷۱ - ۲۶۹، بولتن خبری مرکز فرماندهی (عملیات سپاه)، ۱۳۵۹/۶/۶، صص ۳ - ۱.
۱۷. سند شماره ۵۷۳۲۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از سماجا ۲ (م ۱۳۲) به نراجا، ۱۳۵۹/۶/۲۶.
۱۸. روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۶/۶، ص ۴، خبرنگار کیهان از کرمانشاه.
۱۹. سند شماره ۴۳۴۲۸ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد مناطق کردنشین (دیواندره)، ص ۲۷۲، از سماجا ۳ (مرکز فرماندهی) به ژاجا، ۱۳۵۹/۶/۶؛ و - سند شماره ۴۰۹۲۸۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین.
۲۰. روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۶/۸، ص ۲؛ و - روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۶/۸، ص ۴، به نقل از خبرنگار اعزامی خبرگزاری پارس از قصر شیرین.
۲۱. سند شماره ۴۰۹۲۸۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین.
۲۲. سند شماره ۴۳۴۰۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از سپاه (مرکز فرماندهی) به سماجا ۳ (مرکز فرماندهی)، ۱۳۵۹/۶/۶، برابر خبر واصله از ستاد عملیات غرب کشور.
۲۳. سند شماره ۴۳۴۰۸ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد

۳۴. روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۶/۶، ص ۱۴، به نقل از خبرگزاری فرانسه از رم؛ و - روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۶/۸، ص ۱۶، به نقل از خبرگزاری پارس، به نقل از خبرگزاری فرانسه از رم.

۳۵. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۶۲، تاریخ ۱۳۵۹/۶/۶، ص ۳، دمشق - خبرگزاری فرانسه به نقل از رادیو دمشق، ۲۷ اوت ۱۹۸۰ (۱۳۵۹/۶/۵).

۳۶. همان، ص ۱۹، رادیو کلن آلمان غربی (بخش عربی)، ساعت ۹:۳۰، ۱۳۵۹/۶/۵.

۳۷. روزنامه نامه مردم، شماره ۳۲۰، ۱۳۵۹/۶/۸، ص ۹۸ و - روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۶/۱۳، ص ۱۶؛ و - روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۶/۱۳، ص ۳۲، و - روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۶/۱۳، ص ۱۸؛ به نقل از خبرگزاری پارس به نقل از روزنامه ایتالیایی کوریریه دل‌اسر، ۲۸ اوت ۱۹۸۰ (۱۳۵۹/۶/۶).

۳۸. روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۶/۸، ص ۴؛ و - روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۶/۸، ص ۱۶، هر دو به نقل از خبرگزاری پارس به نقل از خبرگزاری فرانسه از بغداد.

۳۹. روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۶/۶، ص ۲.

۴۰. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۶/۶، ص ۳، به نقل از خبرگزاری پارس از تهران.

۴۱. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۶۲، تاریخ ۱۳۵۹/۶/۶، ص ۱۹، رادیو کلن (بخش فارسی)، ساعت ۲۱، ۱۳۵۹/۶/۵؛ و - پیتر سالیانجر، گروگان‌گیری در ایران، ترجمه دکتر جعفر نقه‌الاسلام، تهران: نشر نوین، ۱۳۶۲، ص ۲۶.

۴۲. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۶۲، تاریخ ۱۳۵۹/۶/۶، ص ۲۸، رادیو صدای آمریکا (فارسی)، ساعت ۸، ۱۳۵۹/۶/۵.

۴۳. روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۶/۶، ص ۱۴، به نقل از خبرگزاری یونایتدپرس از واشنگتن.

۴۴. سند شماره ۴۳۲۳۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از ستاد سپاه پاسداران غرب کشور به ستاد مشترک منطقه غرب، ۱۳۵۹/۶/۱۰.

مناطق کردنشین (سقز)، ص ۱۳۱، از سپاه (مرکز فرماندهی) به سماجا- (مرکز فرماندهی)، ۱۳۵۹/۶/۶.

۲۴. سند شماره ۴۳۴۰۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین.

۲۵. سند شماره ۴۳۳۹۶ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد مناطق کردنشین (مریوان)، ج ۱، ص ۱۷۶، از سماجا ۲ (ح - ع) به ت - ف - ژاجا (رکن ۲)، ۱۳۵۹/۶/۵.

۲۶. روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۶/۶، ص ۱۱، خبرنگار انقلاب اسلامی از ارومیه.

۲۷. سند شماره ۳۱۰ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد مناطق کردنشین (ارومیه)، ص ۱۷۶، از سماجا (اداره دوم - حفاظت اطلاعات) به نزاجا (مع. اطلاعات)، ۱۳۵۹/۶/۵.

۲۸. سند شماره ۴۳۳۷۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از سپاه میاندوآب به سپاه (مرکز فرماندهی)، ۱۳۵۹/۶/۵؛ و - سند شماره ۹۴۲۶۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد مناطق کردنشین (میاندوآب)، ص ۶۱، بولتن خبری مرکز فرماندهی (عملیات سپاه)، ۱۳۵۹/۶/۵، ص ۴.

۲۹. سند شماره ۴۳۴۰۰ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد مناطق کردنشین (اشنویه)، ص ۲۸۳، از سماجا ۳ (مرکز فرماندهی) به سپاه (مرکز فرماندهی)، ۱۳۵۹/۶/۵؛ و - سند شماره ۹۴۲۶۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد مناطق کردنشین (ارومیه)، ص ۱۷۲، بولتن خبری مرکز فرماندهی (عملیات سپاه)، ۱۳۵۹/۶/۵، ص ۴.

۳۰. سند شماره ۴۳۳۸۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد مناطق کردنشین (پیرانشهر)، ص ۴۷، از سماجا ۳ (مرکز فرماندهی) به نزاجا (معاونت عملیات و اطلاعات)، ۱۳۵۹/۶/۵.

۳۱. سند شماره ۴۰۹۲۸۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: بولتن خبری مرکز فرماندهی (عملیات سپاه)، ۱۳۵۹/۶/۱۰، ص ۸.

۳۲. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۶/۶، ص ۵، خبرنگار جمهوری اسلامی از یزد.

۳۳. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۶۲، تاریخ ۱۳۵۹/۶/۶، صص ۱ و ۲، ساری - خبرگزاری پارس، ۱۳۵۹/۶/۵.